

# سازمانده کمونیست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۱۹ خرداد ۱۳۸۵

۲۳

جمعه ها منتشر میشود

## سازمان دادن اعتراض مردم برای آزادی دانشجویان وظیفه ما است

خالد حاج محمدی  
khalehdhaji@yahoo.com

دانشجویان در دانشگاه تهران، امیر کبیر، پلتنیک و ... در دفاع از آزادی و علیه نظامی کردن فضای دانشگاه اعتراضاتی بر حق را سازمان دادند. صدای اعتراض دانشجویان به گوش همه رسیده است. جمهوری اسلامی به سیاق همیشگی، در جواب به خواستهای انسانی و بر حق دانشجویان با بسیج نیروی انتظامی و خیل مزدوران خود، به آنان حمله کرد. در این ماجرا رژیم به شیوه همیشه از ربودن تا بازداشت و تهدید و ارباب کوتاهی نکرد. هم اکنون تعدادی از دانشجویان و مشخصاً یاشار قاجار، عابد توانچه و هومن کاظمیان زنداند.

دستگیری و زندان و شکنجه و ارباب در جمهوری اسلامی امری همیشگی و تعطیل ناپذیر بوده است. تا آقایان سر کار تشریف دارند، شکنجه و زندان و ارباب هم بخشی غیر قابل تفکیک از وجود و حضور آنها است.

راه دیگری ندارند، حکومت خدا و اسلامشان با کشتار مردم، زندان و جنایت و قتل و جنبش رهایی زن در ایران بوده و هستند.

چگونه می توان از مطالبه "لغو حجاب اجباری" که سنگ بنای مبارزه زنان برای رفع ستم در نزدیک به سه دهه گذشته بوده صرف نظر کرد؟ چگونه میتوان موج اعتراض زنان به حملات اخیر نظام برای تحمیل شدیدتر حجاب را نادیده گرفت و آن را در زمره خواستهای چنین تجمعات اعتراضی منظور نکرد؟ چطور می شود مبارزه ص ۳

## به این حد اقل ما راضی نباشیم! پیشرو باشیم و سازمان پد همیم

اعظم کم گوین  
azam\_kamguian@yahoo.com

اخیرا از سوی تعدادی از فعالین حقوق زنان بمنظور پیگیری قطعنامه تظاهرات ۲۲ خرداد سال گذشته در ۲۲ خرداد امسال در تهران تظاهراتی فراخوان شده است.

خواستنه های این فراخوان منع چندمشری، لغو حق طلاق یکطرفه مرد، حق ولایت و حضانت بر فرزند توسط پدر و مادر به طور مشترک، تصویب حقوق برابر در ازدواج (مانند حق بدون قید و شرط اشتغال و حق تابعیت مستقل زنان متاهل و...)، تغییر سن کیفری دختران به ۱۸ سال، حق شهادت و دیه برابر، و لغو قانون قراردادهای موقت کار و دیگر قوانین تبعیض آمیز اعلام شده است.

جز خواست "دیه برابر" که خواستی زیانبار و مضر است چون اصل خود را برحفظ نهاد ارتجاعی قصاص گذاشته و با تقاضای خونیهایی برابر برای زن و مرد به نهاد و اصل ضد انسانی قصاص مشروعیت می دهد اینها خواستهای حداقلی است که جنبش رفع ستم از زن و مبارزه برای رهایی زنان در ایران در ۲۸ سال گذشته از جمله برای آنها تلاش کرده است. باید در این تظاهرات شرکت کرد و صدای اعتراض خود چه زن و چه مرد باشیم را به اینهمه نابرابری و رنج و بی حقوقی نسبت به زنان اعلام کنیم.

اینها خواستهای حداقل و قابل حمایتی است اما باید به این خواستها "لغو حجاب اجباری" و "امحای آپرتاید جنسی" و "آزادی و برابری" را هم اضافه کنیم. این ها از خواستهای اصلی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گوشه زندانهای مخوف اسلامی اینها بدست عدالتگاههای اسلامی تکه پاره شدند.

اگر امروز سطح توحش کاهشی یافته است نه بدلیل پایین آمدن دوز توحش اسلامشان و نه به دلیل دست کشیدن آقایان از آدم کشی و قمه کشی و اسید پاشی و جنایات است.

کل ماجرا این است که اکنون اعتراض مردم دست جنایت آنها را کمی کوتاه کرده

است. در هر اعتراض و مبارزه ای که تا کنون صورت گرفته، از کارخانه تا محله و مدرسه و دانشگاه، بخشی از مردم و فعالین تحرک اعتراضی آنها و از نمایندگانشان دستگیر شده اند. شکنجه و تهدید و توهین و ارباب و دادگاههای اسلامی بقیه صحنه های ماجرا بوده است. تا اینجا که همیشه اینجور بوده و در ادامه هم اگر دست جنایتکارانه آقایان محترم را کوتاه تر نکنیم، به همین صورت ادامه خواهد یافت.

این ماییم که نباید بگزاریم. این ماییم که باید زندانیان و همکاران و همکلاسیان و رفقایمان را از زیر دست و پای اینها بیرون آوریم. اینها را ما باید آزاد کنیم. این بخشی از مبارزه ماست. این دواستان و تمام کسانی که به چنین دلایلی زندانی شده اند را باید آزاد کنیم.

یک بعد مهم از هر مبارزه ای ممانعت از زندان رفتن و شکنجه دیدن مردم بدست جمهوری اسلامی و زندانبانان و جلدانشان است. اینها را آزاد نخواهند کرد اگر ما ساکت باشیم.

میخواهند ما را بترسانند، میخواهند ما را از اعتراض برحضر دارند، میخواهند ما را تسلیم کنند. عابد، هومن و یاشار را زندان کرده اند تا بقیه بترسند و کنار بکشند. آنها را تنبیه خواهند کرد تا زبان اعتراض ما را ببرند. آنها را در اوین کرده اند تا بقیه دانشجویان و مردم دست بردارند.

اوسانلو را زیانش را بریدند تا زبان اعتراض کارگران و مردم از کار بیفتاد. این را نباید پذیرفت، علیه این توحش باید ایستاد. تلاش برای آزادی این دواستان را باید سازمان داد. خواست آزادی دستگیر شدگان و نه تنها این سه نفر، بلکه خواست آزادی تمام زندانیان سیاسی، خواست اکثریت مردم است.

باید اعتراض علیه زندان، علیه دستگیری و ربودن انسانها را سازمان داد. زندانبانان و حکام شرع و شکنجه گران آنها را نباید راحت گذاشت.

باید کاری رد کرد سران این حکومت بفهمند تا این دانشجویان زنداند، رفقا و همکلاسیهایشان و مردم معترض نخواهند گذاشت

راحت آب از گلویشان پایین برود. باید دست به بسیج مردم از دانشگاه تا بازار و مدرسه و کارخانه و بیمارستان و همه جا زد و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شد.

زندانی کردن مردم به جرم ابراز نظر و ابراز اعتراض و بیان خواست و مطالبه ممنوع است. باید فعالین دانشجویی راه و چاه نوع اعتراض و چگونگی سازمان دادن اعتراض به دستگیری این سه نفر را بررسی کنند، روی جوانب مختلف آن صحبت کنند و راه و چاه مسئله را روشن کنند.

باید ابتکارات مختلف را برای آزادی این دواستان بکار گرفت. انتشار بیانیه، جمع کردن تومار اعتراضی، تجمع در مکانهای مختلف، در مقابل زندان و دانشگاه و مدرسه و هر نوع ابتکار دیگری را باید بکار گرفت و جمهوری اسلامی را باید تحت فشار قرار داد.

باید با مراکز مختلف کارگری، با دانشگاههای مختلف و مدارس و بیمارستان و همه جا تماس گرفت و در خواست اعتراض این مراکز به توحش افسارگسیخته جمهوری اسلامی کرد.

خواست آزادی اوسانلو، خواست آزادی دانشجویان را کنار هم گذاشت و همراه کارگر شرکت واحد علیه این توحش ایستاد.

جا دارد جمعهایی از فعالین دانشجویی به دانشگاههای مختلف سر بزنند و با فعالین دیگر صحبت کنند، قول و قرار بگذارند و کاری جدی را در این خصوص پیش ببرند.

اکنون و قبل از تعطیلی دانشگاهها باید کاری جدی در این خصوص پیش برد. باید با ایجاد ارتباطات وسیع، از دانشگاه امیر کبیر و تهران و شریف و .... را تا دانشگاه سهند در تبریز و تا دانشگاههای همدان و کرمان و سنندج و اهواز و رشت را به هم وصل کرد.

فعالین دانشجویی، سوسیالیستها و آزادیخواهان باید با ایجاد شبکه وسیعی از خوشنامترین، شریفترین و فعالترین دانشجویان راه انداختن اعتراض در ابعاد سراسری را هموار کنند. دانشجویان دستگیر شده بدون قید و شرط باید آزاد شوند. این خواست عمومی دانشجویان و مردم است.

مردم معترض را حول این خواست و برای تامین آزادی آنان سازمان داد.

ابتکارات مختلف را برای این امر باید به کار برد. این مهم بر دوش دانشجویان مبارز و آزادیخواه است.

# آزادی، برابری، حکومت کارگری

بقیه از صفحه اول

په این ره لائیل ها ...

... دختران و جوانان علیه آپارتاید جنسی را بخصوص در 6-7 ساله اخیر علیه جداسازی جنسی را چنین مسکوت گذاشت؟ واقعیت 28 ساله حاکمیت جمهوری اسلامی نشان داده که مساله زن مستقیماً به سیستم عصبی این نظام گره خورده است و در ایران فرودستی زن بیش از هر چیز دیگری ناشی از حاکمیت جمهوری اسلامی است. ضدیت با زن یکی از ارکان اصلی حیات این نظام است. جمهوری اسلامی بدون حجاب، بدون جداسازی جنسی و بدون قوانین ذلت بار اسلامی دیگر جمهوری اسلامی نیست. این وضعیت را باید در هم ریخت. جمهوری اسلامی را باید انداخت. این حکم جنبش زنان برای رهایی است. نمی توان رادیکالیسم این جنبش را در چمبره خواستهایی حداقل محصور کرد. باید در این تظاهرات شرکت کنیم از این

خواستهها حمایت کنیم اما از آنها فراتر برویم. جنبش رهایی زن در ایران در مقاومت علیه حجاب و در سرپیچی از آپارتاید جنسی بسیار پیشرو بوده است. نمی شود نباید و نمی توان از این کوتاه آمد.

سال گذشته نیز حول چنین خواستهایی تظاهراتی فراخوان داده شد که بسرعت به یک مارش اعتراضی قدرتمند زنان و مردان آزادیخواه تبدیل شد. تظاهراتی که به دعوت اساساً چند سازمان و شخصیت از نظر سیاسی مجاز و قابل تحمل برای جمهوری اسلامی در اعتراض به نقض حقوق زنان در قانون اساسی در ۲۲ خرداد در مقابل دانشگاه تهران برگزار شد، به اعتراض شکوهمند 6-7 نفره ای با شعارهای رادیکال و راهپیمایی بزرگ تبدیل شد. نهادها و شخصیتهای فراخوان دهنده ادعا می کردند در جامعه ای که پوشش، اشتغال، محل زندگی، تحصیل، رفت و آمد و جزئیات زندگی خصوصی زنان

و رابطه زن و مرد تحت حاکمیت یک رژیم اسلامی ضد زن و غدار، تماماً سیاسی است، می خواهند بدون سیاسی کردن اعتراض خود، قانون اساسی را به نفع زنان تغییر بدهند. اینها تلاش خود را کردند که اوضاع را کنترل کنند، دائماً بر قانونگرایی، قومی بودن و بعضاً حذف مردان از صف خود تاکید کرده و در مقابل رادیکال شدن شعارها و خواستههای زنان و مردان آزادیخواه و معترض، خود در مقابل عوامل نظام سلب مسئولیت کردند. قطعنامه آنها با طرح برخی از زمخت ترین بی حقوقی های زنان، حداقلی از مطالبات و حقوق زنان را منعکس کرده بود. اما در جریان تظاهرات شعارهای "آزادی برابری حق طبیعی ماست"، "ما زنیم انسانیم شهروند این دیاریم اما حقی نداریم"، "آزادی زندانی سیاسی"، "قانون نابرابر، حقوق ضد بشر، ملغی باید گردد"، "قوانین زن ستیز منشا اختناق است" و مرگ بر دیکتاتور به

سرعت همه گیر و پرچم این اعتراض شدند. راهپیمایی هم به آکسیونی شکوهمند علیه انتخابات جمهوری اسلامی و معین و رفسنجانی تبدیل شد و هرچه تصویر و پوستر و باندرول انتخاباتی بود پاره و زیر پا له شد. این پاسخ مردم به بی حقوقی زن بود.

فعالین کمونیست با شرکت در چنین تظاهراتی امکان می یابند ضمن تاثیر گذاری بر عمق و رادیکالیسم این نوع حرکتها با زنان پیشرو و معترض و فعال در جنبش رهایی زن در تماس قرار بگیرند. آنها را به روابط و شبکه های خود جذب کنند و تلاش برای ایجاد شبکه ای از زنان مبارز برای فائق آمدن بر پراکندگی و عدم انسجام صفوف جنبش رهایی زن را آغاز و تداوم دهند. این عرصه ای ضروری از فعالیت حکمتیست هاست که باید مورد توجه درخور و شایسته خود قرار بگیرد.

#### دبیر کمیته تشکیلات کل کشور

[Bahram-modarresi@freenet.de](mailto:Bahram-modarresi@freenet.de)- Tel: 0049 174 944 0201

#### آدرسها و تلفن های تماس

[asad.golchini@ukonline.co.uk](mailto:asad.golchini@ukonline.co.uk)- Tel: 0044 7940416768

[mozafar\\_mohammadi@yahoo.com](mailto:mozafar_mohammadi@yahoo.com)- Tel: 0046 762258028

[m\\_ghazvini2005@yahoo.dk](mailto:m_ghazvini2005@yahoo.dk)- Tel: 0045 51603121

[khaledhaji@yahoo.com](mailto:khaledhaji@yahoo.com)- Tel: 0046707485754

[azam\\_kamquian@yahoo.com](mailto:azam_kamquian@yahoo.com)- Tel: 0044 788 4040 835

[m.fatahi@gmail.com](mailto:m.fatahi@gmail.com)- Tel: 004407 881 885 815

[irai.farzad@gmail.com](mailto:irai.farzad@gmail.com)- Tel: 0046739555085

بهرام مدرسی

اسد گلچینی

مظفر محمدی

محمود قزوینی

خالد حاج محمدی

اعظم کم گویان

محمد فتاحی

ایرج فرزاد

**متحد شوید! به حکمتیست ها پیوندید! با ما تماس بگیرید!**